هجدهمین نشست مرکز تهران‌شناسی همشهری به بازخوانی پرونده فوتبال در تهران اختصاص داشت

از زمین خاکی‌ها تا پیراهن تیم ملی

از آن روزی که بازیکنان نخستین تیم فوتبال تهرانی در میدان مشق پا به توپ شدند و در برابر تیم فوتبال کارمندان سفارت انگلیس صف‌آرایی کردند، فوتبال در دل تهرانی‌ها جا باز کرد و پایتخت به یکی از مهم‌ترین قطب‌های این ورزش محبوب در کشور تبدیل شد. هجدهمین نشست مرکز تهران‌شناسی همشهری با عنوان «تهران، خاستگاه فوتبال» به تاریخچه ورود فوتبال به تهران، رونق فوتبال در زمین‌های خاکی و ستاره‌هایی که از این زمین‌ها به فوتبال تهران معرفی شدند، حاشیه‌های جذاب زمین خاکی‌ها و داستان برگزاری لیگ زمین خاکی‌های تهران می‌پردازد.

پایتخت؛ خاستگاه فوتبال

درباره خاستگاه فوتبال ایران دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. برخی شهر مسجدسلیمان در استان خوزستان را منشأ فوتبال ایران می‌دانند و برخی نیز معتقدند نخستین بازی فوتبال و اولین‌های این ورزش محبوب در تهران شکل گرفت. اردشیر آل عوض، پژوهشگر فرهنگ عامه، معتقد است میدان مشق باغ‌ملی نخستین زمین بازی فوتبال در تهران بود و به‌عبارتی، محبوب‌ترین ورزش جهان برای نخستین بار از پایتخت و از دوران قاجار شکل گرفت: «میدان مشق نخستین زمین بازی فوتبال تهران بود. در این میدان در اواخر قرن ۱۳ شمسی، مصادف با سال ۱۸۶۵ میلادی، نخستین بازی فوتبال بین تیم کارکنان سفارت انگلستان و دیگر انگلیسی‌های مقیم تهران و تیم منتخب تهران برگزار شد. اما غلط تاریخی مشهور این است که آشنایی با فوتبال را به شهر دیگری منتسب می‌کنند، درحالی‌که براساس منابع مکتوب، فوتبال و اولین‌های آن در تهران شکل گرفته است.»

آل عوض درباره شکل‌گیری تیم فوتبال در اواخر حکومت احمدشاه قاجار می‌گوید: «آشنایی مردم تهران با فوتبال یکباره صورت نگرفت، بلکه آنها این پدیده نوین را مدت‌ها پیش از آغاز رسمی آن دنبال می‌کردند. آنها در عهد قاجار تصمیم گرفتند بدون حمایت‌های حکومتی به ورزش فوتبال سامان دهند. این تلاش‌ها به‌طور نظام‌مند سرانجام در سال ۱۲۹۹ به ثمر نشست؛ هرچند در این دوره هنوز فوتبال میان تهرانی‌ها فراگیر نشده بود. این تلاش‌ها سرانجام در زمان احمدشاه قاجار نتیجه داد و نخستین تشکیلات فوتبال تهران به نام «کلوپ ایران» اعلام موجودیت کرد. این باشگاه رسما به جذب بازیکن پرداخت و به‌تدریج با نصب دروازه‌های استاندارد و آماده‌سازی زمین میدان مشق، فوتبال در تهران وارد مرحله تازه‌ای شد.» در این دوران البته ورزش نوپای فوتبال از سوی دولت حمایت نمی‌شد و این مسئله مشکلاتی را هم بر سر راه فراگیر شدن آن به‌وجود آورد اما شوق و ذوق و علاقه تهرانی‌ها به این ورزش جذاب زمینه ریشه دواندن آن را در جامعه فراهم کرد. آل عوض می‌گوید: «اولین دوره مسابقات فوتبال تهران با عنوان مسابقات «هفت لشگر» در میدان مشق برگزار شد و در همین دوره چند تیم از تهران برای برگزاری مسابقات حضور داشتند و تیم کلوپ تهران با اقتدار حریفان خود را شکست داد. مسابقه نهایی هم بین منتخب انگلستان و کلوپ تهران بود که این مسابقه با پیروزی دو برصفر کلوپ تهران به پایان رسید. این پیروزی باعث ایجاد انگیزه و شور و شعف بین تهرانی‌ها شد و پس از آن بود که به‌تدریج فوتبال در کوچه‌ها و گذرهای شهر خودی نشان داد.» آل عوض درباره نخستین زمین‌های فوتبال تهران و امکانات اولیه فوتبال عهد قجری می‌گوید: «مرحوم جعفر شهری نیز آورده است که بچه‌ها با توپ‌های پارچه‌ای و توپ‌هایی که با مثانه گاو ساخته می‌شد، در پسکوچه‌های شهر فوتبال بازی می‌کردند. همان زمین‌های خاکی نیز بعدها نقطه عطفی برای قوت گرفتن تیم‌های فوتبال شد و بسیاری از قهرمانان فوتبالیست از همین زمین‌های خاکی پا به عرصه‌های فوتبالی گذاشتند.»

بزرگان در قیطریه

وقتی هنوز خبری از خیابان‌ها و برج‌ها و مراکز تجاری قیطریه نبود و تهرانی‌ها به قیطریه نه به چشم محله‌ای اعیانی در شمال شهر، بلکه به‌عنوان یکی از آبادی‌های خوش آب‌وهوای شمیران نگاه می‌کردند، زمین خاکی قیطریه برای خود برووبیایی داشت. زمین خاکی قیطریه در قیاس با دیگر زمین‌خاکی‌های تهران سرنوشت بهتری داشت و اکنون به ورزشگاه شهدای قیطریه تبدیل شده است. اما روزهای طلایی این زمین ورزشی زمانی رقم خورد که بسیاری از چهره‌های شناخته‌شده فوتبال تهران از بازی در این زمین خاکی به تیم‌های مطرح رسیدند. فوتبالیست‌های قدیمی قیطریه به این زمین خاکی «زمین وقفی» می‌گفتند، چون شخصی به نام حاج‌زین‌العابدین آن را وقف ورزش محله کرده بود تا بچه‌های محله اوقات فراغت‌شان را در این زمین بگذرانند. حسن روشن، بازیکن سابق تیم ملی، درباره کیفیت زمین خاکی قیطریه در روزگاری که زمین‌های خاکی حکم مدرن‌ترین ورزشگاه‌های تهران را داشتند، می‌گوید: «یک شمیران بود و یک زمین خاکی قیطریه! زمین‌های دیگری هم در شمیران وجود داشت، اما این زمین گل سرسبد آنها بود. زمین قیطریه آنقدر صاف و هموار بود که من و دیگر بچه‌های اختیاریه با وجود اینکه در محله خودمان زمین خاکی داشتیم، آرزوی‌مان بود که در این زمین هم پا به توپ شویم. زمین قیطریه از دیگر زمین‌های اطراف هم بزرگ‌تر بود. آنقدر که در هنگام برگزاری مسابقه ۲هزار نفر هم می‌توانستند دور این زمین محلی برای تماشای بازی جمع شوند.»

روشن از تأثیر زمین خاکی قیطریه در سرنوشت جوان‌های این محله و دور شدن آنها از انواع آسیب‌های اجتماعی می‌گوید: «روزگاری که به بخشی از محله قیطریه کنونی تپه قیطریه می‌گفتند، معروف بود در این محدوده معضلات و آسیب‌های اجتماعی زندگی برخی جوانان را به تباهی می‌کشاند. حتی به بخشی از این اراضی به‌دلیل مصرف علنی مواد مخدر تپه‌سیخی می‌گفتند. زمین قیطریه که ساخته شد و جوان‌ها برای آماده‌کردن آن آستین بالا زدند، شاهد بودیم مسیر زندگی برخی از جوان‌های محله هم با حضور در زمین فوتبال تغییر کرد.»

نام: زمین خاکی قیطریه
ستاره‌ها: حسن روشن، امیر مرزوقی، مهدی اربابی، احمد سجادی، دروازه‌بان سابق تیم ملی
نشانی: خیابان دکتر شریعتی، بلوار صبا

حمید درخشان:

کرنر زدن در زمین خاکی سخت‌ترین کار دنیا بود

فوتبالیست‌ها و فوتبال‌دوستان شرق تهران خاطرات بسیاری با زمین یخچالی دارند؛ همان زمین خاکی که روزگاری یخچالی بود وسیع که با آب قنات پر می‌شد و تابستان‌ها یخ مورد نیاز اهالی را تامین می‌کرد. وقتی عمر یخچال به سر آمد، جوان‌ها دیواره و بقایای یخچال را خراب کردند و جای آن یک زمین خاکی ساختند که خیلی زود با انبوهی از خاطرات فوتبالی چند نسل از بچه‌های شرق تهران گره خورد. زمین یخچالی اما پاتوق بسیاری از چهره‌های سرشناس فوتبال بود؛ از علی پروین و ضیا عربشاهی تا حمید درخشان، کاپیتان تیم ملی و باشگاه پرسپولیس. حمید درخشان، کاپیتان و بازیکن سابق تیم ملی و باشگاه پرسپولیس، خاطره جالبی از بازی در زمین یخچالی و شور و اشتیاقی که بازی ستاره‌ها در این زمین خاکی برای جوان‌های اراضی دولاب ایجاد می‌کرد تعریف می‌کند: «فوتبالیست‌های نسل ما فوتبال را از زمین‌های خاکی شروع کردند. شور و عشقی که از بازی در این زمین‌ها می‌گرفتند در کیفیت فوتبال آنها تأثیرگذار بود. من و بسیاری دیگر از ستاره‌های فوتبال، حتی در روزهایی که وارد فوتبال حرفه‌ای شدیم و به تیم‌های مطرح پایتخت و نیز تیم ملی راه پیدا کردیم هم بازی در زمین خاکی را از یاد نبردیم. وقتی به یک بازیکن ملی تبدیل شدم، همراه با چند بازیکن دیگر با یکی از آن مینی‌بوس‌های قدیمی به زمین خاکی می‌رفتیم. آنجا دیگر خبری از امکانات حرفه‌ای فوتبال نبود. همان گوشه زمین خاکی لباس فوتبال تن‌مان می‌کردیم و شانه به شانه فوتبالیست‌های محلی پا به توپ می‌شدیم.» درخشان از شور و شوقی که حضور او در زمین یخچالی ایجاد می‌کرد می‌گوید: «وقتی در زمین یخچالی پا به توپ می‌شدیم، اطراف زمین جا برای سوزن انداختن وجود نداشت. پیر و جوان دور زمین می‌ایستادند و انگار که در ورزشگاه آزادی مشغول تماشای یکی از بازی‌های مهم لیگ باشند ما را تشویق می‌کردند. حتی آنقدر تماشاگر برای دیدن بازی به زمین یخچالی می‌آمد که نمی‌توانستیم به راحتی کنار خط طولی زمین پا به توپ شویم. کرنر زدن هم که دیگر دشوارتر بود. وقتی می‌خواستم کرنر بزنم، باید از جمعیتی که روی نقطه کرنر ایستاده بودند تا تمام زمین را ببینند می‌خواستم برای چند ثانیه هم که شده به من فضای کافی برای ارسال توپ بدهند. من در ورزشگاه آزادی و بزرگ‌ترین ورزشگاه‌های آسیا بازی کرده بودم اما بازی در زمین خاکی لذت دیگری داشت. چون در هیچ ورزشگاه و زمین دیگری نمی‌شد آنقدر به مردم محله نزدیک شد و از نزدیک آن همه شور و اشتیاق وصف‌نشدنی به فوتبال را لمس کرد.»

کمپ آمریکایی‌ها زمین فوتبال شد

طرفداران قدیمی فوتبال از زمین خاکی راه‌آهن به‌عنوان کارخانه بازیکن‌سازی فوتبال تهران نام می‌برند. چنین تعاریفی درباره دومین زمین خاکی تهران اغراق‌آمیز نیست، چراکه بسیاری از فوتبالیست‌های مطرح پایتخت تا پایان دهه ۶۰ در همین زمین خاکی به مدارج بالای فوتبال رسیدند. امیر ابوطالب، بازیکن سال‌های دور راه‌آهن، یکی از کسانی است که در شکل‌گیری زمین خاکی معروف راه‌آهن نقش داشت و روایت‌های جالبی درباره آن نقل می‌کند.

زمین فوتبال راه‌آهن در برهه‌ای، جولانگاه آمریکایی‌هایی بود که برای کار در راه‌آهن به تهران آمده بودند. آمریکایی‌ها در قطعه زمین بزرگی که نزدیک راه‌آهن تهران بود راگبی بازی می‌کردند، اما زمین راگبی آمریکایی به تسخیر بچه‌های محله راه‌آهن درآمد تا بنای یکی از مهم‌ترین زمین‌های خاکی فوتبال در پایتخت را بگذارند. امیر ابوطالب می‌گوید: «زمین خاکی راه‌آهن قبلاً با عنوان کمپ آمریکایی‌ها شناخته می‌شد و در سال ۱۳۱۶ برای راگبی بازی کردن کارگران آمریکایی ایجاد شده بود. وقتی مأموریت آمریکایی‌ها به پایان رسید و از تهران رفتند، من و برادرم به‌اتفاق بچه‌های محله راه‌آهن جمع شدیم و همانجا فوتبال بازی کردیم.»

فوتبال در آن سال‌ها در محله راه‌آهن سکه رایجی بود و برادران ابوطالب به آن رونق دوچندانی بخشیدند. آنها با حمایت پدرشان که کارمند شرکت راه‌آهن تهران بود، بچه‌های محله را به ضیافت فوتبال در کمپ آمریکایی دعوت می‌کردند و در یک بازه زمانی نسبتاً کوتاه، زمین خاکی این محله به پاتوق فوتبالیست‌های مطرح تهران که جایی برای تمرین نداشتند تبدیل شد. ابوطالب می‌گوید: «بعد از مدت کوتاهی فوتبالیست‌هایی مثل اکبر کارگر جم، نصرالله عبداللهی، علی جباری، جهانگیر کوثری و... پای‌شان به زمین خاکی راه‌آهن باز شد. حتی غلامرضا تختی که آن موقع عضو تیم کشتی راه‌آهن بود به کمپ آمریکایی‌ها می‌آمد و با ما فوتبال بازی می‌کرد.»

به موازات اوج‌گیری دورهمی فوتبالیست‌های تهرانی در زمین خاکی راه‌آهن، تشکیلاتی برای برگزاری جام باشگاه‌های تهران سر و شکل گرفت و راه‌آهنی‌ها تیمی به نام لوکوموتیو را روانه مسابقات کردند. این نخستین تیمی بود که از دل زمین خاکی حوالی میدان راه‌آهن متولد شد، اما با وقوع جنگ جهانی دوم و ورود متفقین به تهران لوکوموتیو از حرکت ایستاد و زمین خاکی راه‌آهن به‌مدت ۲ سال تعطیل شد. ابوطالب درباره تعطیلی موقت مهم‌ترین زمین خاکی پایتخت می‌گوید: «پلیس تا مدتی مانع ورود فوتبالیست‌ها به کمپ آمریکایی‌ها یا همان زمین خاکی راه‌آهن می‌شد و فضای عجیبی شکل گرفته بود. این شرایط پایدار نبود و بعد از پایان جنگ جهانی دوم و خروج متفقین از تهران بار دیگر دور هم جمع شدیم و این بار با تیم لوکوموتیورانان راهی جام تخت‌جمشید شدیم که همان تیم بعدها به راه‌آهن تغییر نام داد.»

نام: زمین خاکی راه‌آهن
ستاره‌ها: اکبر کارگرجم، امیر قلعه‌نویی، حمید استیلی و جواد نکونام و...
نشانی: میدان راه‌آهن

جایزه عجیب مسابقات زمین خاکی

روزگاری هرمحله تهران یا دست‌کم چند محله مجاور هم، یک زمین خاکی داشت که پاتوق جوان‌های فوتبال‌دوست محله بود. شور و اشتیاق بازی در این زمین‌خاکی‌ها آنقدر زیاد بود که کاپ‌ها، لیگ‌ها و مسابقات دوره‌ای زمین‌خاکی در این محله‌ها شکل گرفت. حسن روشن از چگونگی برگزاری مسابقات و کاپ‌های زمین‌خاکی‌ها می‌گوید: «زمین‌خاکی‌های تهران برای خودشان مسابقات دوره‌ای داشتند و زمین‌خاکی‌های شمیران در شمال تهران هم لیگ و مسابقات مختص به‌خودشان را. به‌عنوان مثال، تنها شمیران حدود ۶۰تیم محلی داشت که گاهی هر سال تا ۳ دوره مسابقه بزرگ با حضور همه تیم‌های محلی در زمین‌خاکی‌های شمال تهران برگزار می‌شد.»

در تهران هم مسابقات زمین‌خاکی با حضور گسترده تیم‌های محلی برگزار می‌شد. غلامحسین نوریان از معروف‌ترین تیم‌هایی که در مسابقات زمین‌خاکی تهران حضور داشتند می‌گوید: «در مسابقات زمین‌خاکی تهران علاوه بر بازیکنان گمنام محلی، چهره‌های سرشناس هم حضور داشتند و همین مسئله سطح مسابقات را با وجود برگزاری آن در زمین‌های بدون امکانات بالا می‌برد. چهره‌هایی چون علی جباری و ناصر ابراهیمی در زمین خاکی باغ کلاغی و یا بازیکنانی چون جلال طالبی و عبدالله ساعدی در زمین‌های خاکی منطقه ۱۶ و ده‌ها چهره برجسته دیگر، اهالی محله‌ها را به تماشای این مسابقات ترغیب می‌کردند.» مسابقات زمین‌خاکی تهران اما قواعد نانوشته‌ای هم داشت. نوریان می‌گوید: «پراکندگی زمین‌های خاکی در تهران زیاد بود. از جنوب تا مرکز و شرق و غرب تهران زمین خاکی وجود داشت و مسابقات هم گاهی به‌صورت رفت و برگشت و یا به میزبانی یک محله برگزار می‌شد. علاوه بر کری‌خوانی‌های معمول، تیم برنده مسابقه امتیازات ویژه‌ای داشت. مثلا اینکه اگر یک تیم پیروز مسابقه می‌شد، می‌توانست هر وقت بخواهد از زمین خاکی برای تمرین استفاده کند. این مسئله مهم بود، چون در آن زمان آنقدر جوان‌ها شیفته فوتبال بودند که معمولا زمین‌خاکی همیشه پر بود و تیم‌های مختلف برای بازی در زمین باید نوبت می‌گرفتند.»

استقبال از «پله» در مهرآباد

۱۵اردیبهشت سال ۱۳۵۱که پله، اسطوره فوتبال، با پیراهن سفید سانتوس برزیل روی چمن ورزشگاه نوپای آزادی قدم گذاشت، یکی از به یادماندنی‌ترین روزهای فوتبال پایتخت به‌حساب می‌آید. برای برگزاری مسابقه، تیمی با عنوان «منتخب تهران» با انتخاب بازیکنان پاس و عقاب و سرمربیگری رایکوف در کمترین زمان ممکن برای رویارویی با یاران پله سر و شکل گرفت. امیر ابوطالب، پیشکسوت فوتبال تهران و بازیکن سال‌های دور راه‌آهن که تماشاگر ویژه این بازی بود می‌گوید: «پله یک سال قبل از ورود به تهران یک‌تنه تیم‌ملی برزیل را قهرمان جام جهانی ۱۹۷۰مکزیک کرده بود و مشهورترین ستاره فوتبال دنیا به شمار می‌رفت. وقتی پله به تهران آمد مردم با حلقه‌های گل به مهرآباد رفته بودند و یکسره شعار «پله... پله» سر می‌دادند. جالب است که یکی از بازیکنان ملی‌پوش از ساعت ۳صبح به فرودگاه رفته بود که با پله عکس یادگاری بگیرد.»

اگرچه تیم سانتوس با ۵گل که ۳گل آن را پله به ثمر رساند تیم منتخب تهران را شکست داد، اما هیجان حضور پله در تهران فراتر از فوتبال بود. این هیجان به حدی گسترده شد که باشگاه دیهیم که در آن روزگار یکی از تیم‌های تحت پوشش باشگاه تاج بود برای مدتی به پله تغییر نام داد. اما اتفاق عجیب‌تر در یکی از بیمارستان‌های تهران رخ داد؛ جایی که یکی از بازیکنان سابق تاج، پله را بالای سر فرزند نورسیده‌اش برد و یک تصمیم عجیب گرفت.

ابوطالب می‌گوید: «پرویز، برادرم که شیفته فوتبال برزیل بود و آن موقع به‌عنوان مربی تیم ملی جوانان فعالیت می‌کرد، بعد از پایان بازی، پله را به بیمارستان آسیا در حوالی میدان آرژانتین تهران برد تا پسرش را که تازه به دنیا آمده بود ببیند. پله انسان فروتنی بود و پرویز به احترام او که قبول کرد به بیمارستان بیاید، اسم پسرش را پله گذاشت. برادرم دوست داشت که پسرش مثل پله فوتبالیست بزرگی شود، اما پله ابوطالب مهندس مکانیک شد.»

شعار ۴۰ هزار تماشاچی علیه تیم اسرائیل

۲۹اردیبهشت سال ۱۳۴۷روزی بود که بازیکنان تیم ملی فوتبال ایران برای لمس نخستین جام قهرمانی در مسابقات جام ملت‌های آسیا خودشان را برای رویارویی با صهیونیست‌ها آماده کرده بودند. تیم رژیم صهیونیستی با غلبه بر همه تیم‌ها به فینال آمده بود تا برای همه مدعیان آسیایی خط و نشان بکشد و تیم ملی ایران هم به‌عنوان میزبان مسابقات و با حمایت انبوه تماشاگرانی که سکوهای امجدیه را تسخیر کرده بودند می‌خواست نخستین قهرمانی در فوتبال آسیا را تجربه کند. نفرت و انزجار تهرانی‌ها از صهیونیست‌ها، رویارویی ۲ تیم را به‌شدت تحت‌تأثیر قرار داده بود و این موضوع برای حکومت شاه، یک چالش اساسی به‌حساب می‌آمد. حسن روشن درباره حواشی پررنگ این بازی تاریخی می‌گوید: «آن روز بازار شایعات حسابی داغ بود. عده‌ای می‌گفتند یهودی‌های مقیم ایران بلیت‌های بازی را خریده‌اند و عده‌ای دیگر می‌گفتند حبیب القانیان، سرمایه‌دار معروف و صاحب ساختمان پلاسکو، ۱۰هزار قطعه بلیت خریده تا بین یهودی‌ها توزیع کند.» سوت شروع بازی که زده شد ۴۰هزار تماشاگر علیه صهیونیست‌ها شعار می‌دادند. این بازی یک سال بعد از جنگ ۶روزه اسرائیل و اعراب برگزار می‌شد و حس تنفر تماشاگران تهرانی از صهیونیست‌ها به‌وضوح قابل مشاهده بود. بازیکن سال‌های دور تیم ملی می‌گوید: «عده‌ای از تماشاگران برای به سخره گرفتن موشه دایان، وزیر امور خارجه وقت رژیم اشغالگر، با یک چشم‌بند وارد ورزشگاه شدند و عده‌ای دیگر چشم‌بندها را روی صورت سگ بستند و به ورزشگاه آمدند. بعد از بازی هم مردم از امجدیه تا چهارراه مخبرالدوله را بستند و به جشن و پایکوبی پرداختند. اغراق نیست اگر بگوییم آن شب تهران تا صبح بیدار بود.»

روشن شکست تیم اسرائیل در امجدیه را بهترین روز تاریخ فوتبال تهران می‌داند: «ایران با شکست اسرائیلی‌ها برای نخستین بار روی بام فوتبال آسیا ایستاد. بعد هم تاج با شکست هاپوئل اسرائیل، قهرمان باشگاه‌های آسیا شد و نوبت به قهرمانی‌های متوالی تیم ملی جوانان در مسابقات آسیایی رسید. به همین دلیل شکست صهیونیست‌ها در امجدیه را بهترین روز تاریخ فوتبال تهران می‌دانم.»

تهران؛ از زمین چمن تا زمین سیاست

در ۳دهه اخیر با پدیده‌ای به نام کوچ ورزشی‌ها به عالم سیاست مواجه بوده‌ایم، اما این رویه در سال‌های قبل از انقلاب هم معمول بوده و تعدادی از فوتبالیست‌های مشهور به‌طور ناگهانی مناصب سیاسی را از آن خود کردند.

محمد خاتم که سال‌ها در پست هافبک میانی برای باشگاه تاج و سرباز بازی کرد، یکی از نخستین فوتبالیست‌هایی به‌حساب می‌آید که به جرگه سیاسیون پیوست. او در سال ۱۳۲۵ با تیم سرباز قهرمان باشگاه‌های تهران شد و به تیم ملی هم راه پیدا کرد، اما عطای ادامه حضور در سطح اول فوتبال را به لقایش بخشید و برای گذراندن دوره‌های نظامی به خارج از کشور رفت. خاتم در سال ۱۳۳۲ و بعد از کودتای ۲۸مرداد به ایران برگشت و خلبان شخصی محمدرضا پهلوی شد و تا درجه تیمساری بالا رفت. خاتم از سال ۱۳۳۷ تا ۱۳۵۴ فرمانده نیروی هوایی ارتش بود اما در سانحه هوایی مشکوک درگذشت. فتح‌الله مین‌باشیان دروازه‌بان تیم ملی و تیم فوتبال تاج در دهه ۲۰شمسی یکی دیگر از فوتبالی‌های تهران قدیم بود که ۴سال فرماندهی نیروی زمینی ارتش شاه را بر عهده داشت. مین‌باشیان با تیم سرباز، قهرمان باشگاه‌های تهران شد و یکی از بازیکنانی بود که برای نخستین بازی تیم ملی فوتبال انتخاب شد، اما به‌دلیل وقوع جنگ جهانی دوم مجوز خروج از کشور را دریافت نکرد تا در آن بازی تاریخی بازوبند کاپیتانی تیم ملی را بر بازو ببندد. حسنعلی منصور اما مشهورترین فوتبالیست تهرانی بود که وارد عالم سیاست شد و پست نخست‌وزیری را هم در اوایل دهه ۴۰شمسی تصاحب کرد. منصور از نسل نخست بازیکنان تیم تاج بود که ابتدا در تیم دوچرخه‌سواران تهران توپ می‌زد و در برد تاریخی این تیم در برابر انگلیسی‌های مقیم آبادان در پست مهاجم به میدان رفته بود. او چند سال بعد از نشستن روی صندلی نخست‌وزیری و در سال ۱۳۴۳ مقابل ساختمان مجلس شورای ملی ترور شد.

جعفر کاشانی را هم می‌توان در زمره فوتبالی‌های تهرانی که وارد دنیای سیاست شدند قرار داد. کاشانی در سال‌های قبل از انقلاب بازیکن شاهین بود و بعدها در مقام دیپلمات وزارت خارجه به انگلستان، آلمان، سوریه و امارات سفر کرد.